# جلسه یازدهم 26/6/1393

بحث در این است که معنای اضطرار به ترک نماز در خلف و عند المقام چیست، لذا باید ابتداء مقتضای قواعد و بعد مقتضای نصوص خاصه و سیره متشرعه بررسی شود.

#### مقتضای قاعده اولیه

اگر مکلف متمکن از خواندن نماز طواف در خلف قریب به مقام باشد، ولو لازم باشد تا آخر وقت حج و عمره انتظار بکشد، باید صبر کند، زیرا اطلاق دلیل می گوید نماز طواف باید عند و خلف المقام خوانده شود، البته ممکن است اشکال شود که در این صورت فوت موالات بین طواف و نماز پیش می آید، و لکن در مساله موالات بین طواف و نماز طواف، سه مبنا وجود دارد و باید طبق هر مبنا، مقتضای قاعده بررسی شود:

مبنای اول، مبنای مرحوم امام است که وجوب موالات بین طواف و نماز طواف را وجوب نفسی مستقل می داند، یعنی اگر کسی نماز طواف را عمدا تاخیر بیندازد، مشکل وضعی پیدا نمی کند و صرفا گناه کرده است به جهت عدم ظهور روایات در بیش از وجوب نفسی، مثل صحیحه منصور بن حازم: وَ بِإِسْنَادِهِ عَنْ مُوسَى بْنِ الْقَاسِمِ عَنْ مُحَمَّدٍ عَنْ سَيْفِ بْنِ عَمِيرَةَ عَنْ مَنْصُورِ بْنِ حَازِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ رَكْعَتَيْ طَوَافِ الْفَرِيضَةِ قَالَ لَا تُؤَخِّرْهَا سَاعَةً إِذَا طُفْتَ فَصَلِّ.[[1]](#footnote-1)

طبق این مبنا، باید دید دلیل وجوب موالات اطلاق دارد، حتی اگر لازم باشد بدون دیگر شرایط نماز طواف خوانده شود؟ این مطلب روشن نیست و از ادله موالات که لاتوخرها ساعة اذا طفت فصل استفاده نمی شود که به هر نحوی باید نماز خوانده شود، بلکه ظاهرش بجا آوردن نماز تامه است و ظاهرا دیگر ادله شرایط نماز و من جمله خلفیت و عندیت اطلاق دارد، حتی نسبت به فرضی که نشود فوریت را رعایت نمود و لذا تنجز وجوب موالات مشروط به قدرت است و وقتی نمی شود هم اکنون نماز واجد شرایط خواند، طبعا باید صبر کند تا واجد شرایط شود، مثل کسی که بعد از طواف محدث به حدث اصغر شده که کسی نمی گوید اگر وضو گرفتن موجب فاصله افتادن بین طواف و نماز طواف می شود، باید سریعا تیمم کند و با تیمم نماز بخواند، زیرا ظاهر اذا طفت فصل، فصل صلاة تامة است.

ان قلت: چرا در نماز در وقت این را نمی گویید مثل شخصی که در داخل وقت نمی تواند نماز با قرائت صحیح بخواند، که گفته می شود باید با همان قرائت ناصحیح در وقت نماز بخواند؟

قلت: در رابطه با نماز یومیه دلیل می گوید لاتسقط بحال و مقصود در وقت نماز است، اما درباره فوریت نماز طواف چنین دلیلی نداریم.

البته ظاهر برخی فتاوای مرحوم امام این است که چون وجوب نماز طواف، وجوب فوری است، باید الان ببیند تمکن دارد یا نه و نباید صبر کند و لذا نسبت به کسی که مشکل صحت قرائت دارد و طواف کرده و می خواهد نماز بخواند، ایشان فرموده چون نماز طواف واجب فوری است و از طرفی نمی تواند سریعا تصحیح قرائت کند، باید با همین قرائت ملحونه نماز بخواند و نباید صبر کند.

مبنای دوم، مبنای کسانی است که اذا طفت فصل را ظاهر در ارشاد به شرطیت موالات می دانند، کما این که اقرا فی صلاتک، ظاهر در ارشاد به جزئیت است، خطاب اذا طفت فصل هم ظهور در ارشاد به شرطیت دارد، کما عن السید السیستانی.

ولی این شرط، در موارد اضطرار ساقط است به دلیل السنة لاتنقض الفریضة که شامل فرض اضطرار هم می شود، شرطیت موالات هم سنت است و در قرآن نیامده کما عن السید السیستانی و لذا اگر به سبب اضطرار، فوت موالات شود، اشکالی وارد نمی شود، و گرنه اگر بدون اضطرار فاصله بیندازد که طواف باطل خواهد بود.

در ما نحن فیه نیز کسی که می داند خلف قریب نمی تواند نماز بخواند، از طرفی خلف قریب مقام نماز خواندن فریضه است و در قرآن آمده و از طرفی شرطیت موالات و فوریت سنت است، لذا باید اخلال به سنت وارد ساخت، که به فریضه ضرری نمی رساند و باید صبر کند تا رفع اضطرار شود تا بتواند در خلف قریب نماز بخواند.

مبنای سوم، مبنای محقق خوئی و مرحوم تبریزی است که ظاهر اذا طفت فصل را ارشاد به وجوب موالات می دانند و ذیل حدیث لاتعاد را شامل غیر اخلال از روی جهل و نسیان نمی دانند و لذا شامل موارد اکراه و اضطرار نمی شود، به این بیان که ظاهر لاتعاد این است که مکلف در زمان اخلال به عمل، ملتفت نیست و بعد از عمل ملتفت می شود و مقتضی برای اعاده عمل درست می شود، اما حدیث لاتعاد می گوید اعاده لازم نیست، اما وقتی در اثناء عمل به خلل متوجه باشد، جای لاتعاد نیست و ثمراتی دارد، مثلا اگر زن در بین نماز بفهمد که مویش بیرون است، بنا بر نظر آیت الله سیستانی نماز صحیح است و مشمول لاتعاد است، اما بنا بر نظر محقق خوئی، از وقتی ملتفت می شود تا وقتی که مو را بپوشاند، اخلال به شرطیت تستر وارد کرده، در حالی که در این مدت ملتفت است و جاهل نیست و لذا مشمول لاتعاد نمی شود و نمازش باطل است

به نظر ما نیز لاتعاد شامل موارد اضطرار و اکراه نمی شود، طبق این مسلک اگر بعد از طواف بفهمد که نمی تواند خلف قریب نماز بخواند، چون اخلال به فوریت عن التفات است، باید طواف را اعاده کند در زمانی که بتواند در خلف قریب نماز بخواند، مگر این که به حرج بیفتد، و لذا نمی توان از شرطیت نماز خلف قریب رفع ید نمود.

اما اگر نماز در خلف قریب حرجی باشد و یا ممکن نباشد، شرطیت نماز در خلف قریب ساقط می شود، اما اصل نماز که ساقط نمی شود، حال آیا باید یمین و یسار قریب رفت و یا خلف بعید نماز بخواند که در هر صورت فقط یک شرط مکانی محفوظ می ماند؟

آیت الله سیستانی فرموده: احتیاطا باید در هر دو جا نماز خوانده شود.

اما به نظر ما این فرمایش وجهی ندارد، زیرا وقتی نمی توان نمازی با تمام شرایط خواند و از طرفی تکلیف به اصل نماز هم ساقط نیست، تعارض بین دلیل شرطیت عندیت و شرطیت خلفیت رخ می دهد، در این گونه موارد که نمی توان بین دو جزء یا شرط در واجب واحد جمع نمود، بین دلیل جزئیت این دو تعارض رخ می دهد نه تزاحم، زیرا تزاحم در جایی است که دو واجب استقلالی باشد که قادر بر جمع بین آن دو نباشیم، اما صل خلف المقام قریبا منه، واجب واحد است و لکن به مجرد عجز از شرط، دلیل داریم که نماز ساقط نمی شود، لذا بین اطلاق دو دلیل دو جزء تعارض می شود، زیرا هر دو در حال اضطرار نمی شود شرط باشد و در نتیجه اصل برائت از تعین هر یک جاری می شود و نتیجه آن تخییر خواهد شد.

البته آیت الله سیستانی در دوران بین تعیین و تخییر قائل به احتیاط است، اما ما قائل به جریان اصل برائت هستیم.

ان قلت: چرا بعد از تعارض، ترجیح به قرآن نمی دهید، زیرا قرآن حکم به عندیت کرده و روایات است که حکم به خلفیت کرده است و در تعارض این دو، اطلاق کتاب مقدم است.

قلت:

عامین من وجه، مجرای مرجحات باب تعارض نیست، این مرجحات در تعارض بین متباینین جاری می شود و چنین نیست که اطلاق روایتی که می گوید خلفیت شرط است، مخالف اطلاق آیه باشد، که خبر مخالف کتاب گشته و حجت نباشد، زیرا این تعارض بالعرض که به سبب وجوب صلاة طواف علی ای حال و عجز از جمع بین دو شرط در مورد خاصی به وجود آمده، عرفا روایت را مخالف قرآن نمی کند و عرف به این خبر، مخالف قرآن نمی گوید، گذشته از این که روایات دال بر شرطیت خلفیت، سنت قطعیه است و روایات کثیره ای دارد که ذکر آن ها قبلا گذشته است و لذا اطلاق خبر قطعی الصدور با قرآن تعارض می کند.

خلاصه این که مقتضای قاعده این است که اگر شخص، قادر بر نماز در خلف قریب باشد ولو انتظار بکشد، باید چنین کند و زمانی طواف کند که بتواند بعد از آن بدون اخلال به موالات، نماز طواف در خلف قریب بخواند، و اما اگر متمکن از خلف قریب نباشد و فقط متمکن از یکی از خلفیت یا قربیت به مقام و نماز در جانبین باشد، اگر بگوییم مورد عجز از جمع بین دو شرط در مرکب واحد، مصداق تزاحم است، چون مرجحی نیست، قائل به تخییر می شویم و اگر بگوییم مصداق تعارض است و هو الصحیح، (بعد از این که یقین به عدم سقوط نماز طواف بعد از تعذر این شرط هستیم) دوران بین تعیین و تخییر می شود که ما در آن قائل به برائت از تعین هر یک از دو طرف هستیم و نتیجه آن تخییر می شود و اگر کسی قائل به احتیاط در دوران بین تعیین و تخییر باشد، باید دو نماز بخواند، یکی در خلف بعید و یکی در جانبین قریب به مقام.

البته اگر کسی این جا را نیز محل جریان قواعد تزاحم بداند و نه تعارض، کما عن المحقق النائینی، باز هم نتیجه تخییر می شود، زیرا اهمیت هیچیک از خلفیت و عندیت معلوم نیست و لذا نوبت به تخییر می رسد.

#### مقتضای نصوص خاصه

مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عُثْمَانَ قَالَ: رَأَيْتُ أَبَا الْحَسَنِ مُوسَى (عليه السلام) يُصَلِّي رَكْعَتَيْ طَوَافِ الْفَرِيضَةِ بِحِيَالِ الْمَقَامِ قَرِيباً مِنْ ظِلَالِ الْمَسْجِدِ.[[2]](#footnote-2)

البته روایت سند دیگری دارد به سبب وقوع «امیة بن علی» در آن، معتبر نیست و لکن اضافه ای بر روایت قبل دارد: مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ مُوسَى بْنِ الْحَسَنِ وَ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ هِلَالٍ عَنْ أُمَيَّةَ بْنِ عَلِيٍّ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عُثْمَانَ قَالَ: رَأَيْتُ أَبَا الْحَسَنِ (عليه السلام) يُصَلِّي رَكْعَتَيِ الْفَرِيضَةِ بِحِيَالِ الْمَقَامِ قَرِيباً مِنَ الظِّلَالِ لِكَثْرَةِ النَّاسِ.[[3]](#footnote-3)

محقق خوئی فرموده از این روایت معلوم می شود به هنگام اضطرار، در خلف بعید نماز خواند و لازم نیست به جانبین قریب به مقام برود و این مقتضای نصوص خاصه است.

اما به نظر ما این روایت حکایت فعل امام علیه السلام و اطلاق ندارد و شاید حضرت کاظم علیه السلام نمی توانسته اند بدون حرج و تقیه در خلف قریب مقام نماز بخوانند و با ما فرق می کند و اما این که حضرت در یمین و یسار نماز نخوانده، شاید به این جهت بوده که در جانبین هم نمی شده نماز بخوانند، زیرا قضیه خارجیه است و اطلاقی ندارد و لذا از این روایت مطلبی بر خلاف مقتضای قاعده اولیه استفاده نمی شود.

#### متقضای سیره متشرعه

اما انصاف مطلب این است که این مساله در موسم حج که ازدحام زیاد است، شدید البلوی می باشد و اگر بنا بر این مقدار سختگیری بود که اگر بتواند بدون حرج نماز را در خلف بخواند، حتی اگر مستلزم انتظار باشد، صبر کردن لازم باشد و یا لازم می بود که جمعیت را بشکافد اگر حرجی نباشد و در میان ازدحام نماز بخواند، لو کان لبان، زیرا ازدحام در حج متعارف بوده و هیچیک از قدماء اصحاب چنین حکمی نقل نشده، بلکه شیخ و علامه گفته اند به هنگام اضطرار به جانبین و یا خلف بعید برود.

لذا در سیره متشرعی چنین چیزی دیده نشده و بر خلاف سیره است و لذا حتما شکافتن ازدحام هم لازم نیست، گرچه حرام هم نیست، بلکه می شود بعید از مقام در خلف نماز خواند.

البته محقق خوئی فرموده: شکافتن جمعیت برای نماز طواف، اشکالی ندارد، اما حلقه تشکیل دادن برای نماز خواندن، حرام است.

ولی ما حلقه تشکیل دادن را نیز حرام نمی دانیم، و گرچه سبب اذیت طائفین می شود، اما طواف طائفین هم موجب اذیت مصلین است و لکن لزوم انجام این امور، خلاف سیره متشرعه است.

1. وسائل الشيعة ج‏13 435 76 باب جواز صلاة ركعتي الطواف في كل وقت و كذا الطواف و استحباب المبادرة بهما بعده و حكم إيقاعهما عند طلوع الشمس و عند غروبها ..... ص : 434 [↑](#footnote-ref-1)
2. وسائل الشيعة ج‏13 433 75 باب جواز صلاة ركعتي الطواف بحيال المقام بعيدا عنه مع الزحام ..... ص : 433 [↑](#footnote-ref-2)
3. وسائل الشيعة ج‏13 433 75 باب جواز صلاة ركعتي الطواف بحيال المقام بعيدا عنه مع الزحام ..... ص : 433 [↑](#footnote-ref-3)